

کتاب

عرصه اندیشه، فرهنگ، سیاست، ادبیات و هنر

سال سوم ● مردادماه ۹۸ ● انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان



با مقالات: ● دکتر محسن کدیور(روشنفکر دینی، مجتهد، استاد دانشگاه دوک آمریکا) ● دکتر صدیقه وسمقی (روشنفکر دینی، فعال حقوق زنان، استاد مهمنان دانشگاه جورج آگوست گوتینگن آلمان) ● فعالان حقوق جنسیت ● دانشجویان ● اساتید مرکز معارف دانشگاه صنعتی اصفهان



سخن سردبیر

دوره بلندی بر انسان گذشت که بیش از آنکه به «حقوق» خود بیندیشد، به «تکالیف» خود می‌اندیشید و همین که بالغ می‌شد و خود را باز می‌یافت به دنبال تکالیفش بود. بزرگان و رهبران دینی و فکری جامعه هم همواره در پی تلقین و تقليد تکاليف بوده اند. خواه حاکمان و آمران و پادشاهان باشند خواه عالمان و فیلسوفان، همه در مقام تعلیم مسئولیت‌ها و وظایف و تکالیف آدمیان بودند. حقوق بشر، در درجه دوم اهمیت قرار داشت و همواره به صورت یک امر طفیلی و ثانوی نسبت به تکالیف مطرح می‌شد.

در چند سده‌ی اخیر، توجه و تفطهن به عنصر «حق»، فزونی یافته و به ویژه «حقوق زنان» بر سر زبان افتاده و موجب تشکیل جنبش‌هایی در احراق حقوق زنان شد. اما بعض افرادهایی در نحوه کنش برای احراق حقوق رخ داد، به گونه‌ای که تو گویی احراق حقوق زنان، با ستاندن حقوق مردان عجین شده بود و به گونه‌ای بی‌اخلاقی و خشونت در آن به چشم می‌آمد! همچنین است کنش‌گرانی که دوربین‌هاشان را چونان اسلحه‌ای تلقی کرده و بسط خشونت و ترویج قساوت می‌کردد. البته که کنش‌گری‌های بدون پشتونه‌ی تئوریک مستحکم نمی‌تواند موجب بی‌وجهی به تبعیضات موجود شود و این جاست که وظیفه‌ی متفکران به خوبی نمایان می‌شود.

در شماره‌ی اول از نشریه «کیان» (و شماره هشتم از مشکات سابق)، به «حقوق جنسیت‌ها» اعم از مرد و زن پرداخته‌ایم. در این شماره به نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی در باب حجاب، نقد فقهی حجاب اجباری، و عدم وجوب شرعی پوشاندن موی زنان و همچنین تبعیضات جنسیتی موجود پرداخته‌ایم. همچنین به نحوی برخورد مدنی و اخلاقی درباره‌ی سیاست‌های خام و عقیم هم با ابعاد گوناگون، نگاهی افکنده‌ایم.

جای آن است که مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر محسن کدیور، فقیه نواندیش و استاد پژوهشی دانشگاه دوك (کارولینای شمالی، آمریکا)، و سرکار خانم دکتر صدیقه وسمقی، روشنفکر دینی، فعال حقوق جاوید، فعال حقوق بشر و مشاور امور ایران تهران و آقای بهروز جاوید، عضو هیئت علمی دانشگاه در دیدبان حقوق بشر، به جا آوریم که مقالات اختصاصی خود را برای نشریه «کیان» ارسال کردند. همچنین از اساتید مرکز معارف دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشجویان محترمی که تحقیقات خود را در ذیل موضوع شماره‌ی مذکور در اختیارمان قرار دادند، تشکر می‌کنیم.

باید توجه داشت که «معرفت»، از طریق «نقد» سامان می‌پذیرد و نقد کردن، نه توهین است نه تمسخر، نه شببه پراکنی نه دشمنی و ریشه‌کنی، بل رواج خردورزی است و رشد دین شناسی و ارتقاء آستانه تحمل و مدارای دینی است. نشریه‌ی «کیان» با کاشتن بذر گفتگو امیدوار است بتواند همه را به مقصد برساند؛ و اول شرط گفتگو، آزادی است. امید است در شماره‌های بعدی «کیان»، از قلم صاحبنظران و قلم فرسایان دانشگاه، حظ و بهره‌ی کافی را ببریم.

برای انتشار یادداشت‌های خود در نشریه کیان، مرقومات خود را به آیدی زیر ارسال فرمایید:

@Sajed_Sohrabi

شناسمه

نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی کیان

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

مدیر مسئول و سردبیر: ساجد سهرابی

ویراستاران:

میترا رجبی، فاطمه کیانی

صفحه آرایی:

پارسا حقیقی نایینی، سعیده آقامحمدی

طرح جلد:

سعیده آقامحمدی

راههای ارتباطی



@iut_anjoman



@iutanjoman

فرست

پوشش زنان: مسئله اصلی؟ / ۱

تمامیت خواهی؛ اساس تبعیض جنسیتی / ۳

قوانين ازدواج در ایران نابودی زندگی مردان و نهاد خانواده را درپی دارد / ۴

حقوق زن در دو قرائت از اسلام / ۵

آیا پوشاندن مو برای خانمها واجب است؟ / ۷

نگاهی به مردستیزی در رسانه / ۸

نفس مشمئزکننده مسیح چرا کارهای مسیح علی نژاد روی دیگر گشت ارشاد

است؟ / ۹

جنبش زنان؛ راه چیست؟ / ۱۰

نهال دشمنی برکن / ۱۱

فمینیسم، نه مردستیزی / ۱۲

پوشش زنان: مسئله اصلی؟!

گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را از وظایف قوه قضائیه دانسته است. در همین قانون «آزادی بیان» نخستین رسالت صدا و سیمای جمهوری اسلامی است. وقتی حجاب بانوان تا اطلاع ثانوی مسئله و دغدغه اصلی مسئولان نظام است، یعنی بحمدالله «هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» محو شده، و «آزادی‌های سیاسی و اجتماعی» هم در حد مطلوبی تامین گشته، همچنان که فرمودند «ایران آزاد ترین کشور دنیاست!» «زنданی سیاسی هم که مطلقاً نداریم!» پس حقیقتاً نوبت هم باشد نوبت رسیدگی به حجاب بانوان است!

۲

بعد از اثبات ضرورت مطلقه و اولویت تامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداختن به امر خطیر حجاب بانوان! اکنون نوبت به جایگاه مسئله در تعالیم اسلامی می‌رسد. در آموزه‌های اسلامی یکی از ارزش‌های ثابت و دائمی اخلاقی و شرعی پاکدامنی، نجابت و عفاف است. این ارزشها هم‌ردیف با کرامت انسانی، عدالت، قسط، انصاف، رحمت، حریت، احسان و نوع‌دوستی است. پاکدامنی، نجابت و عفاف از لوازم ایمان است. اما این ارزشها اختصاصی به اسلام ندارند، هر طبع سلیمی به آن‌ها رای می‌دهد و در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی هم باشد و ضعف مقبول هستند. شهروندان ایران هم با هر اختلاف نظری در رعایت این ارزشها تردیدی ندارند. ضمناً این ارزشها اختصاصی به بانوان ندارند، مردان اگر نه بیشتر حداقل به میزان بانوان موظف به رعایت این ارزشها هستند.

واضح است که پاکدامنی، نجابت و عفاف حداقلی از پوشش عرفی را لازم دارد. این حداقلها هم در مورد مردان و زنان در جوامع مختلف وجود دارد و با شدت و ضعف رعایت می‌شود. اما پوشش به فرهنگ، زمان، مکان و شرایط بستگی دارد. وارد جزئیات نمی‌شوم. بر یک مورد خاص و مبتلا به بحث را متوجه کزی کنم و آن پوشش موى بانوان است. آیا پوشاندن موى سر خانمها شرط لازم پاکدامنی، عفاف و نجابت است، به نحوی که اگر زنی یا دختر جوانی روسربی بر سر نداشت نعوذ بالله ناجیب، فاسد، ناپاکدامن و اهل فحشاء محسوب شود؟ اینها فرضی نیست، احکام دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران از جمله در همین سال ۱۳۹۸ است.

نظر فقهی رایج و مشهور (اعم از سنی و شیعه) وجوب پوشش مو، سر و گردن بانوان در برابر نامحرم است. نظام هم به همین نظر باور دارد. اما وجوه شرعی با اجراء قانونی یکی نیست. واجبات و محرمات شرعی الزام ایمانی دارد، اما اجراء قانونی ندارد. بالاترین واجبات شرعی نماز است. آیا نماز نخواندن جرم است؟ آیا می‌توان کسی را به دلیل نماز نخواندن مجازات کرد؟ غیبت کردن حرام است. آیا می‌توان کسی را به جرم غیبت کردن مجازات کرد؟ واضح است که نه. پس از نفس واجب یا حرام بودن چیزی جواز اجراء به دست نمی‌آید.

ممکن است گفته شود نپوشیدن روسربی یا نپوشاندن موى سر بانوان از قبیل روزه خواری در ملأ عام است، زیرا مؤمنان باید شعائر مذهبی در عرصه عمومی را رعایت کنند. البته اجراء اجراء با مجازات محقق می‌شود. اسم چنین مجازاتی را تعزیر می‌گذارند و مدعی هستند که حاکم شرع (فعلاً نظام جمهوری اسلامی) می‌تواند بر ارتکاب حرام و ترک واجب تعزیر کند. اما شرعاً این تعزیرات تنها در موارد منصوص مجاز است. نه روزه خواری در ملأ عام از موارد منصوص است نه نپوشیدن روسربی. یعنی هیچ دلیل خاص دینی از آیه، روایت از پیامبر (ص) یا ائمه (ع) در دست نیست که مجازات زنان را به دلیل نپوشاندن مویشان تجویز کرده باشد. وقتی مجازات برای نپوشاندن موى بانوان شرعاً مجاز نباشد، وضع هر قانونی به نام دین و شریعت در این زمینه ممنوع و بدعت است.

از ادله مضحكی مثل به فساد افتادن مردان می‌گذرم. هر که به فساد می‌افتد خودش را درمان و چشمش را درویش کند. این مشکل چنین افرادی است. دستور صریح قرآن هم فروهشتن چشم است، با صورت زن که زیباتر از موى اوست می‌خواهد چه کنند؟ احتمالاً راه حل طالبانی: در گونی کردن زن و پوشاندن تمام بدن حتی صورت او چون بدن زن مطلقاً عورت است. چیزی که هرگز خدا و رسولش نگفته‌اند. این نظر ناصواب بسیاری از فقهاء فریقین

محسن کدیور

روشنفکر دینی، مجتهد

استاد دانشگاه دوک آمریکا

این یادداشت در نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران درباره حجاب اجباری بلکه پوشش بانوان به طور مطلق است و شامل سه بخش به شرح زیر می‌باشد: دغدغه اصلی نظام چه هست و چه‌ها نیست! نقد فقهی حجاب اجباری، و عدم وجوب شرعی پوشاندن موى زنان.

۱

کشورها، جامعه‌ها و نظامهای سیاسی با مسائل اصولی شناخته می‌شوند. میزان توسعه یافته‌گی یا عقب ماندگی را می‌توان با رصد کردن آنچه آنها مسئله یا مسائل اصلی خود می‌دانند دریافت. در جایی شرائط اقلیمی و مشکلات حادّ ساکنان کره زمین تحت دست درازی‌های بی‌ضابطه بشر به طبیعت مسئله است، جایی دیگر حقوق بشر و تجاوز به حريم خصوصی مردم دغدغه عمومی است، در جمهوری اسلامی هم چهل سال است حجاب بانوان همواره یکی از مسائل اصلی اسلامی چنین اهمیت تراز اولی دارد یا نه (که به آن خواهی پرداخت) این امر معنای دیگری هم دارد. یعنی امور اصلی جامعه یا کاملاً حل شده، یا در شرایط بسیار مطلوبی قرار دارد، لذا نوبت به پرداختن چنین امری رسیده است.

در کشوری که یک سوم یا یک دوم آن (بنا به تفاسیر مختلف از شاخص‌های اقتصادی) زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در جامعه‌ای که یقیناً عدالت - که اسّ و أساس تعالیم اسلام و در صدر مطالبات قانون اساسی همین نظام است - در کلیه ابعادش از عدالت قضائی، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، و عدالت سیاسی گرفته تا عدالت فرهنگی با شاخص‌های یک جامعه عادلانه فاصله نجومی دارد، نشانه آشکارش هم رانتخواری نهادینه از صدر تا ذیل که برای آحاد مردم ملموس است؛ در نظامی که از تبعیض ساختاری در همه اقسامش - و غالباً بر خلاف نص قانون اساسی - رنج می‌برد، از تبعیض دینی و مذهبی تا تبعیض جنسیتی و تبعیض بین موافقان و منتقدان نظریه سیاسی رسمی؛ در مملکتی که کشف فساد و اختلاس‌های کلان مافوق تصور نُقل هر روز مجالس و تیتر اول روزنامه هایش است، وقتی مسئله و دغدغه اصلی نظام به شهادت تبلیغات و عملکرد رسمی ارکان آن حجاب زنان است می‌توان به عمق فاجعه پی برد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» را از اهداف نظام دانسته است، در همین قانون هدف دیگر نظام «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» معرفی شده و تصریح شده است: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» در سوگندنامه نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری «حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است» جزء مفاد سوگند و از وظایف حتمی آنها شمرده شده است. این قانون «احیای حقوق عامه و

تا امروز است.

آیا حجاب اجباری به گسترش حجاب یا افزایش پاکدامنی، نجابت و عفاف می‌انجامد؟ چهل سال تلاش مذبوحانه نظام در این راه را در جامعه می‌بینیم. مرکز پژوهش‌های مجلس که نهاد رسمی نظام است سال گذشته اعلام کرد که بیش از هفتاد درصد ایرانیان مخالف حجاب اجباری هستند. حجاب اجباری اولاً به پدیده خاص بدحجابی یا کم حجابی (انداختن شال بر بخشی از موی سر) که از محصولات بی‌بدیل جمهوری اسلامی ایران است انجامیده، ثانیاً اجبار در پوشش سر به متزلزل شدن پوشش بدن - که اهمیتش به مراتب بیش از روسربی است - در بسیاری بانوان و دختران جوان حتی در خانواده‌های مذهبی منجر شده است. نتیجه سیاست حجاب اجباری جمهوری اسلامی ایران شکست کامل و نتیجه کاملاً معکوس بوده است.

مقایسه میزان رعایت حجاب سر (روسربی) در کشورهایی که حجاب امری اختیاری است از قبیل ترکیه، مالزی، اندونزی، اردن، مصر، مراکش، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و ... با کشورهایی که حجاب در آنها اجباری است یعنی جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی قابل مقایسه است. در دسته اول وضعیت رعایت پوشش سر به شکل اختیاری کاملاً موفق بوده است. عده قابل توجهی از بانوان این شیوه را آزادانه اختیار کرده اند و جمعی هم نپذیرفته اند. هر دو گروه به انتخاب هم احترام می‌گذارند. وضعیت عربستان از هیچ حیثی تعریفی ندارد! اما میزان رعایت حجاب سر در ایران نسبت به کشورهای گروه اول (حجاب اختیاری) به مراتب کمتر است. کشف حجاب اجباری رضاخانی با حجاب اجباری جمهوری اسلامی از یک سخن است و هر دو مردود است. اجرای شریعت با اجبار به نفاق، دوروئی و پوک شدن باطن دیانت و اجرای کاریکاتوری ظواهر شریعت می‌انجامد.

۳

اما مطابق تحقیق فقهی که سالها قبل آن را منتشر کرده ام زنان موظفند زینت باطن یعنی بدن خود را بپوشانند، اما صورت، مو، سر، و گردن زینت ظاهر محسوب می‌شود. پوشاندن زینت ظاهر شرعاً واجب نیست. قرنها بسیاری از فقهاء صورت زنان را هم در زمرة زینت باطن می‌دانستند و فتوا به وجود پوشاندن آن داده بودند. فتواهای بسیاری از فقهاء حتی در زمان حاضر همین است و این امر در فقهاء اهل سنت شدیدتر است. مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸) در کتاب «مسئله حجاب» (۱۳۴۷) در حقیقت دو کار بزرگ کرد یکی اینکه پوشاندن صورت (برقع) واجب نیست، دیگر اینکه پوشاندن بدن با مانتو شوار (نپوشیدن چادر) شرعاً مجاز است.

قدم دوم در این زمینه توسط دو نفر از شاگردان استاد منتظری (۱۳۰۱-۱۳۸۸) برداشته شد: مرحوم احمد قابل (۱۳۳۶-۱۳۹۱) و اینجانب. مرحوم استاد به نظر مشهور معتقد بود و البته از حجاب اجباری هم دفاع نمی‌کرد. نظر مرحوم قابل استحباب و عدم وجود پوشش سر و گردن بانوان بود مطلقاً. این هم نظر فقهی من است:

«یک. پوشش مو و سر و گردن بانوان بالذات و به حکم اولی واجب نیست، بلکه به شرائط و عرف زمان و مکان بستگی دارد.

دو. در زمانه و منطقه ای که پوشانیدن مو و سر و گردن در میان بانوان متعارف است، به نحوی که نپوشانیدن آنها در عرف محلی دلالت بر عدم نجابت و عفاف داشته باشد، پوشانیدن این موضع به حکم ثانوی واجب است. سه. در زمان نماز و احرام حج می‌باید موضع یادشده پوشیده باشد.

چهار. پوشش مو و سر و گردن بانوان در برابر مردان نامحرم در شرائطی که در عرف محلی دلالتی بر عدم نجابت و عفاف نداشته باشد واجب نیست. تشخیص شرائط و عرف به عهده خود مکلف است.

پنج. مناسب است بانوان مؤمنه احتیاطاً از حداقل عرف رایج محلی پوشش بیشتری داشته باشند». (احکام حجاب، ۱۳۹۱)

واضح است که اکنون در شهرهای بزرگ ایران بلکه در اکثر شهرهای ایران هیچ تلازم عرفی بین نپوشانیدن مو و سر و گردن بانوان و عدم عفاف و نجابت نیست. اگر بانویی مقلد مراجع رسمی تقليد نباشد و حداقل در این مسئله به نظر فقهی احمد قابل یا محسن کدیور عمل کرده باشد، احتمال مجاز به برخورد با مکلف نیست. صاحب رای فقهی پاسخگو است. بخشی از مستندات فقهی آن تحت عنوان «تامیلی در مسئله حجاب» در سال ۱۳۹۱ منتشر شده

است.

به بانوان جامعه خود اعتماد کنیم. آنها خودشان بهترین مرزبانهای ارزش‌های اسلامی هستند. تحمیل فتوای خاص ولو فتوای مشهور هیچ مجوز شرعی ندارد. مهم این است که به حجت شرعی عمل شده باشد. قابل انکار نیست که هستند افرادی که اهل عمل به أمور شرعی نیستند. آنها را هم باید در نظر گرفت. به یاد دارم سالها قبل در «حجاب: حد شرعی، حد قانونی» - که البته هیچ جا امکان انتشار نیافت! و به ناچار چند ماه بعد در آبان ۱۳۸۶ در وبسایتم منتشرشد - متذکر شدم حد قانونی باید کمتر از حد شرعی (نظر مشهور) باشد و حد قانونی پوشش زنان را شبیه آنچه تلویزیون حکومتی در نمایش فیلمهای خارجی رعایت می‌کند پیشنهاد کردم که پوشش سر را در بر نمی‌گرفت.

هیچ ارزش متعالی با اجبار برقرار نمی‌شود چه برسد به امر اختلافی و جوب پوشش سر. مسیحیت و یهودیت هم این سیر را پشت سر گذاشته اند. جوامع غربی هم چه در قرون وسطی چه در دوران جدید با پدیده های مشابهی مواجه بوده اند. فرهنگ اسلامی البته مزایا و امتیازات خود را دارد، اما یقیناً اجبار سرانگبینی است که از قضا صفراً می‌افزاید! اگر گوش شنوایی باشد این بخشی از یادداشتها و مقالات من درباره حجاب است:

- حجاب اجباری فاقد دلیل معتبر شرعی است (تیر ۱۳۹۱)
- از کشف حجاب اجباری تا حجاب اجباری (دی ۱۳۹۶)
- تحول در نگرش سیاسی و دینی به حجاب (بهمن ۱۳۹۶)
- سنجاق کردن حجاب اجباری به حیات نظام (اسفند ۱۳۹۶)
- حجاب، مشکلات لایحل فرهنگی جمهوری اسلامی و رمان جرج اورول (تیر ۱۳۹۷)